

## چارچوب راهبردی سیاست منطقه‌ای اتیوپی (مطالعه موردی: سومالی)

صبری انوشه

کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه و آفریقا

وزارت امور خارجه

Anoushe1954@hotmail.com

### چکیده

بیش از سه دهه از بحران مزمن منطقه‌ی شاخ آفریقا می‌گذرد. مراکز پژوهشی و دانشگاهی درباره‌ی علل، روند و پیامدهای این بحران و نیز عناصر و مؤلفه‌های آن بررسی‌ها و کاوش‌هایی را در ابعاد مختلف انجام داده‌اند. شناخت اهداف و اولویت‌های تحرک منطقه‌ای اتیوپی در برابر تحولات سومالی در سطوح مختلف، ابزارهای لازم را برای آگاهی از اهداف راهبردی این کشور به‌عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای در منطقه‌ی شاخ آفریقا فراهم می‌کند. تداوم فروپاشی سومالی به‌عنوان دولت-ملت و یک واحد سیاسی، استثنایی سیاسی-امنیتی در روابط بین‌الملل فرصتی طلایی برای ارتقای سطح قدرت و نفوذ اتیوپی در منطقه‌ی شاخ آفریقا فراهم کرد. آدیس‌آبابا به‌طور سنتی و تاریخی در جایگاه تمدنی منطقه‌ای، سعی دارد از مؤلفه‌های قدرت و شرایط منطقه و جهان به‌منظور پاسداری از جایگاه منطقه‌ای خود و گسترش آن به‌خوبی استفاده کند در این راستا سیاست مداخله‌گرایانه این کشور تأمین‌کننده‌ی نمونه‌ی منطقه‌ای و بسیاری از نیازهای سیاسی و امنیتی بوده است. در این مقاله، سیر تاریخی تعامل و رفتار سیاستمداران اتیوپی را با عناصر و مؤلفه‌های بحران سومالی تحلیل شده است تا سازکارهای نهادهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری آدیس‌آبابا مشخص شود و از این رهگذر چگونگی اجرایی‌شدن مقاصد و سیاست‌های منطقه‌ای توسط ابزارهای ذی‌ربط اتیوپی ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: شاخ آفریقا، سیاست‌های منطقه‌ای، آمریکا، رژیم صهیونیستی، جنگ نیابتی.

### مقدمه

بحران سومالی در سطوح مختلف پیامدها و تأثیرات گوناگون داشته است. در تکوین و پایه‌گذاری این بحران، عوامل و عناصر متفاوتی دخیل بوده است (سیدی احمد ولی احمد سالم، ۲۰۰۱). نقش کشورهای همسایه سومالی در روند این بحران و در سه دهه اخیر قابل توجه است. با بررسی این نقش و چگونگی دخالت این عنصر در شکل‌گیری بحران و تداوم آن، دریافت می‌شود نقش کشور اتیوپی به‌عنوان بازیگر فعال شاخ آفریقا و مدعی هژمونی منطقه‌ای، از همه همسایگان بیشتر و برجسته‌تر است. با بررسی تاریخ مناسبات سومالی و اتیوپی و مطالعه سیاست‌های آدیسا ابابا می‌توان به نیت‌ها و مقاصد سیاست راهبردی اتیوپی در برابر سومالی آگاه شد و از این رهگذر، تاحدودی اولویت‌ها و اهداف سیاست آدیسا ابابا را در منطقه بحران زده و حساس شاخ آفریقا شناخت. در بررسی تاریخ معاصر سومالی به‌ویژه دوران فروپاشی این کشور به‌عنوان دولت-ملت در اوایل دهه نود قرن گذشته، نقش مستقیم و غیرمستقیم اتیوپی را در روند تحولات این کشور بحران‌زده به روشنی می‌بینیم. تا اوایل دهه نود، آدیسا ابابا و نقش آن در تحولات سومالی تقریباً بی‌رقیب بوده است؛ اما پس از استقلال اریتره، انحصاری بودن نقش آدیسا ابابا در مسائل سومالی به‌طور نسبی کاهش یافت و اسمره در مقام بازیگر جدید در عرصه رقابت با اتیوپی در تحولات و قضایای مگادیشو گام نهاد. تنش میان اتیوپی و اریتره و تأثیر آن بر عرصه رقابت آن‌ها در منطقه شاخ آفریقا، هم‌اکنون عاملی برجسته در گسترش دامنه بحران سومالی به‌شمار می‌آید. بررسی علل تنش و مقابله میان اسمره و آدیسا ابابا، در آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی بحران سومالی و شناخت راهکارهای پایان دادن به این بحران، بسیار یاری‌رسان خواهد بود.

### چارچوب راهبردی سیاست منطقه‌ای

مطالعه تاریخ معاصر اتیوپی در شناخت تلاش‌ها و مقاصد راهبردی تصمیم‌گیران آدیسا ابابا در منطقه شاخ آفریقا مؤثر خواهد بود. به‌نظر رهبران اتیوپی، دستیابی به نیازمندی‌های راهبردی این کشور در منطقه پیرامونی فراتر از هویت نظام سیاسی حاکم بر آدیسا اباباست. تاریخ سه دهه اخیر این کشور، شاهد ثبات سیاست منطقه‌ای آدیسا ابابا حتی در پرتو نظام‌های پادشاهی، مارکسیستی و دموکراتیک بوده است. هویت ایدئولوژیک و سیاسی نظام حاکم و حتی شرایط منطقه‌ای و جهانی بر سیاست‌های راهبردی این کشور در قبال همسایگان منطقه‌ای تأثیر چندانی نداشته و آنچه متغیر

بوده، به شیوه‌ها و ابزارهای اعمال آن سیاست‌ها وابسته بوده است. سیاست توسعه‌طلبانه اتیوپی در قبال سومالی به‌گونه‌ای متأثر از شرایط نبوده است (شافعی، ۲۰۰۴)؛ برای مثال سیاست‌های هیلا سیلاسی امپراتور اتیوپی در قبال سومالی دوران شامارکی و زیادباره تفاوت چندانی با سیاست‌های افسران مارکسیستی این کشور به رهبری سرهنگ هایل ماریام نداشته است. اکنون نیز به‌رغم پایان یافتن جنگ سرد و از میان رفتن نظام دوقطبی، سیاست‌های بلندپروازانه آدیس‌ابابا در سایه حکومت چندحزبی ملیس زیناوی در قبال بحران سومالی تداوم دارد. سیاست منطقه‌ای اتیوپی در واقع پاسخی ضروری به نیازمندی‌های این کشور است. مؤلفه‌های خواسته‌های ملی همواره محرک سیاست آدیس‌ابابا در برابر کشورهای این منطقه بوده است. مهم‌ترین نیازمندی‌های منطقه‌ای این کشور عبارت است از:

۱. ایفای نقش اول در منطقه: اتیوپی با تمامی کشورهای منطقه شاخ آفریقا همسایه است [۱] و از دوران باستان دارای قدرت و تمدن تاریخی است. به‌نظر استراتژیست‌های اتیوپی، این کشور اغلب عناصر تشکیل‌دهنده نقش ملی را داراست. اتیوپی پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است و از لحاظ نیروی انسانی و نخبه‌سازی، جایگاه ممتازی در شاخ آفریقا دارد. همچنین از نظر قابلیت‌ها و توانمندی‌های نظامی، ظرفیت رقابت قوی در عرصه موازنه قدرت منطقه‌ای دارد. در بعد سیاست خارجی و قدرت مانور دیپلماتیک نیز در سطح منطقه و جهان قابلیت‌های بسیاری دارد. با قرارگرفتن دبیرخانه و مرکز اتحادیه آفریقا در پایتخت این کشور، جاهت و پرستیژ منطقه‌ای نیز به‌دست آورده است.
۲. نیاز راهبردی به منافذ دریایی: اتیوپی اسیر جغرافیای خشک خود است و هیچ راهی به دریا ندارد. دسترسی به دریا برای مردم و دولت اتیوپی همواره خواسته‌ای ملی بوده است و تجارت و اقتصاد این کشور بدون منافذ دریایی رونق نخواهد گرفت. برای ارتقای نقش ملی این کشور در منطقه دسترسی به منافذ دریایی به‌عنوان ضرورتی راهبردی مطرح است (ولدانی، ۱۳۸۱: ۶۲).
۳. نیازهای امنیتی: اتیوپی دارای اقلیت‌های مذهبی، قومی و نژادی بسیاری است و این کشور را با تهدیدهای احتمالی زیادی روبه‌رو می‌کند؛ از این‌رو رهبران این کشور برای تقویت کیان سیاسی و جلوگیری از فروپاشی نظام خود به سیاست منطقه‌ای فعال نیاز اساسی و ضروری دارند.

۴. نیازهای هژمونی: رهبران اتیوپی در طول تاریخ، برای حفظ جایگاه سنتی خود در منطقه نیازمند همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده‌اند و در تاریخ معاصر، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور شراکت راهبردی با قطب قوی جامعه جهانی است. اتیوپی برای رسیدن بدین مقصود با ایتالیا، انگلیس، شوروی سابق و آمریکا همکاری و اتحاد داشته است. از دیدگاه استراتژیست‌های این کشور، همکاری آدیس‌آبابا با قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تقویت نقش منطقه‌ای خود، ضرورتی راهبردی و ملی است (انوشه، ۱۳۸۵: ب: ۱۳۲).

در ترسیم چارچوب راهبردی سیاست منطقه‌ای اتیوپی این عناصر دخالت دارد:

۱. طبیعت متغیره‌های داخلی؛
  ۲. هویت سیاسی و عقیدتی نظام حاکم؛
  ۳. حدود و ثغور نقش ملی و توان بازیگری در عرصه منطقه؛
  ۴. شرایط و مقتضیات امنیت ملی و نیازهای راهبردی کشور؛
  ۵. صورت‌بندی ائتلاف‌های منطقه‌ای و قطب‌بندی جامعه جهانی.
- نظام کنونی اتیوپی سیاست‌های راهبردی خود را در منطقه شاخ آفریقا در پرتو شرایط جدید و مؤلفه‌های زیر تنظیم کرده است:
۱. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و از میان رفتن نظام دوقطبی در جهان؛
  ۲. تغییر هویت سیاسی و عقیدتی نظام سیاسی در سودان: با روی کار آمدن ژنرال البشیر در ۱۹۸۹م هویت سیاسی و عقیدتی رژیم در خارطوم تغییر یافت و رنگ و رویکرد اسلامی گرفت؛
  ۳. تحولات در مناسبات اریتره و اتیوپی و تنش‌های خونین: این تحولات به استقلال اریتره در سال ۱۹۹۳م به‌عنوان واحد سیاسی مستقل در شاخ آفریقا منجر شد و پیامدهای گوناگونی در نقش منطقه اتیوپی داشت؛
  ۴. تغییرات در سطح و طبیعت ژئوپلیتیک منطقه شاخ آفریقا پس از پایان جنگ سرد؛
  ۵. بروز محور تل آویو- واشنگتن: این محور پس از فروپاشی شوروی شکل گرفت و آثار ملموسی در سطح قاره آفریقا [۲] و منطقه شاخ آفریقا به‌جای گذاشت؛
  ۶. اتحاد دو یمن در می ۱۹۹۰م؛
  ۷. ایجاد همگرایی منطقه‌ای میان سودان، اتیوپی و یمن علیه اریتره.
- اتیوپی در دو دهه اخیر، برای اجرا کردن سیاست‌های راهبردی خود به‌طور اساسی با سه عامل روبه‌رو بوده است:

۱. بحران سومالی و پیامدهای محلی و منطقه‌ای آن (نوشه، ۱۳۸۵ الف: ۴۹)؛
۲. جنگ مردمی میان اریتره و اتیوپی و تداوم روابط تنش‌زا میان طرفین؛
۳. تنش سیاسی و امنیتی میان خارطوم- آدیس‌ابابا.

بحران سومالی و پیامدهای آن حجم زیادی از احتمالات منطقه‌ای اتیوپی را اشغال کرده است و سیاست‌های این کشور در قبال روند تحولات سومالی و پیامدهای منطقه‌ای بحران آن تأثیر مستقیمی بر تعامل آدیس‌ابابا با قضایای شاخ آفریقا دارد. این مقاله درصدد است ابعاد سیاست اتیوپی را در قبال بحران سومالی به‌عنوان پایه‌ی اساسی برای فهم و درک سیاست این کشور بررسی و کاوش کند.

### تاریخچه و طبیعت روابط اتیوپی و سومالی

اتیوپی قوی‌ترین و بزرگ‌ترین همسایه سومالی است و حدود ۲۸۰۰ کیلومتر با این کشور مرز مشترک دارد. طی شش قرن گذشته، مناسبات میان طرفین مسالمت‌آمیز نبوده است (عثمان عبدالقادر، ۲۰۰۷). اتیوپی در دوران استعماری به‌همراه کشورهای استعمارگر انگلیس، ایتالیا و فرانسه در تقسیم سومالی براساس مصوبات کنگره برلین در ۱۸۸۵م [۳] نقش مهمی داشت. ماهیت و طبیعت مناسبات میان دو کشور در سطح مردمی و دولتی بوده و دشمنی میان آن‌ها ریشه‌های مذهبی، نژادی و قبیله‌ای داشته است. درگیری میان دو کشور طی پنج دهه اخیر بر سر منطقه اوگادن بوده است (مورو، ۲۰۰۶).

عوامل و زمینه‌های گوناگونی در شکل‌گیری بحران معاصر سومالی مؤثر بوده که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

**جنگ داخلی و پیامدهای آن:** این جنگ تا حدودی از زمان وقوع جنگ اوگادن میان سومالی و اتیوپی در نیمه دهه هفتاد تاکنون ادامه داشته و طی دهه اخیر، این کشور را بسیار بحرانی کرده است. مهم‌ترین علل وقوع این جنگ را می‌توان در این محورها جست‌وجو کرد:

الف) نظام عشیره‌ای: جامعه سومالی جامعه‌ای عشیره‌ای، کوچنده و چوپانی است و هنوز هم با جامعه شهری و شاخص‌های آن فاصله زیادی دارد (نوشه، ۱۳۸۷ د: ۲۸). نظام عشیره‌ای در تار و پود جامعه و دولت سومالی رخنه کرده و پیوندهای قبیله‌ای و پیروی از شیوخ قبیله برای افراد والاتر از میهن‌پرستی و اطاعت از قوانین و مقررات دولت است.

نشست‌های آشتی ملی میان بازیگران عرصه بحران همواره به دلیل سهم خواهی قبایل شکست خورده است.

ب) ارثیه استعماری: کشورهای انگلیس، فرانسه و ایتالیا هر کدام سهم مهمی در تجزیه سومالی و تثبیت جامعه عشیره‌ای در آن داشته است. این کشور قبل از استقلال به پنج بخش تجزیه شده بود: ۱. استعمار انگلیس بخشی از سومالی را به نام سومالی لاند جدا کرد. ۲. ایتالیا بخشی به نام سومالی ایتالیایی را با مرکزیت شهر مگادیشو مستعمره خود کرد. ۳. استعمار فرانسه سواحلی از سومالی را تجزیه کرد و سالیان طولانی آن را با نام سرزمین عیسی و عفار اداره کرد تا سرانجام به نام جیبوتی مستقل شد. ۴. سرزمین اوگادن: اتیوپی در تقسیم سومالی با استعمارگران اروپایی همکاری داشت و انگلیس به پاس خدماتش بخش سومالی غربی را به اتیوپی داد. ۵. انگلیس بخشی از سومالی به نام NFD را ضمیمه کنیا کرد.

ج) عدم تکامل دولت- ملت سومالی: سرزمین سومالی پس از استقلال در اوایل دهه شصت، به دلایل زیادی به عنوان واحد سیاسی مستقل تکامل نیافت و با شکست در جنگ با اتیوپی در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۸م، آسیب‌های زیادی به عنوان دولت-ملت به آن وارد شد. همچنین توان این کشور برای پاسخ به نیازهای اولیه مردم و کانون‌های تهدیدزا، به سبب عوامل زیادی، از میان رفت و همواره در محافل بین‌الملل دولتی ناکارآمد معرفی می‌شد.

د) منازعه درونی بر سر قدرت: حکومت استبدادی ژنرال زیادباره و اشتباه‌های راهبردی این رژیم در حل قضایا و بحران‌های فرعی، زمینه را برای بروز اختلاف میان قبایل فراهم کرد. سیاست غلط ژنرال باره به تشتت و پراکندگی در ارکان کشور و ملت انجامید.

ه) عوامل اقتصادی: فقر اقتصادی و تکامل نیافتن ابزارها و نهادهای اقتصادی کشور، مهم‌ترین عامل انحطاط و فروپاشی دولت و ضعف آن بوده است.

و) ضعف وحدت و انسجام ملی: جامعه سومالی به دلایل زیادی از جمله تنوع اقوام، زبان‌ها و قبایل، فاقد انسجام و وحدت ملی است و عناصر تولید بحران را در خود دارد.

ز) عوامل خارجی: مهم‌ترین این عوامل مداخله همسایگان [۴] در امور داخلی سومالی است. در این میان، اتیوپی نقش برجسته و مهمی داشته است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه آمریکا نیز تشدیدکننده تأثیرگذاری عامل خارجی در بحران سومالی

بوده است. همکاری و تقابل میان اهداف عوامل خارجی در منطقه شاخ آفریقا، به‌ویژه سومالی عناصر مهمی در پیچیدگی بحران این منطقه بوده است.

### بحران اوگادن

سرزمین اوگادن یا سومالی غربی بخشی از سومالی بزرگ بوده و در قرن نوزدهم به تدریج تحت سلطه و نفوذ امپراتوری اتیوپی قرار گرفته است. این سرزمین به‌طور رسمی در سال ۱۹۵۴م در پی هماهنگی سیاسی و امنیتی میان لندن و ادیس‌ابابا به بخشی از خاک اتیوپی تبدیل شد (ولد احمد سالم، ۲۰۰۶) و هم‌اکنون از لحاظ اداری و سیاسی به ایالت پنجم یا ایالت اوگادینا معروف است. اغلب ساکنان این سرزمین قبایل سومالیایی مسلمان بودند و به رژیم مسیحی اتیوپی احساس تنفر و دشمنی داشتند تا اینکه در سال ۱۹۷۷م برای رهایی از یوغ استعمار اتیوپی به مبارزه و نبرد مسلحانه پرداختند؛ اما سرهنگ منگستو هایل ماریام، رهبر مارکسیستی اتیوپی، آن‌ها را با کمک کوبا و شوروی سرکوب کرد. در این رهگذر، ژنرال زیادباره تحت فشار افکار عمومی مردم سومالی برای استقلال این سرزمین وارد جنگ با اتیوپی شد. جنگ‌های سال ۱۹۷۷-۱۹۷۸م میان مگادیشو و ادیس‌ابابا در واقع جنگ میان موسکو و واشنگتن در عرصه آفریقا بوده است. نیروهای منطقه‌ای مانند ایران شاهنشاهی، عربستان سعودی و مصر دوران سادات به‌حمایت از سومالی وارد میدان جنگ شدند و شاه سلاح و تجهیزات پشتیبانی خود را از طریق قاهره به میدان نبرد فرستاد. یمن جنوبی و لیبی که در اردوگاه سوسیالیسم بودند، با تمام ظرفیت‌های خود برای دفاع از رژیم هایل ماریام وارد جنگ اوگادن شدند. پیروزی اتیوپی در اوگادن، فروپاشی دولت-ملت سومالی و تشدید بحران‌های داخلی آن را تسریع کرد (همان‌جا؛ احمدابراهیم، ۲۰۰۱: ۱۰۱).

اوگادن [۵] در تاریخ معاصر همواره جایگاهی حساس و خطیر در مناسبات اتیوپی و سومالی داشته و در روند تحولات داخلی نظام سیاسی سومالی دخیل بوده است. اگرچه میانجیگری سازمان وحدت آفریقا توانست تا مدتی آتش جنگ میان طرفین را خاموش کند، مناسبات میان دو کشور تاکنون همواره تنش‌زا بوده است.

جنگ اوگادن نقش مهمی در فروپاشی رژیم ژنرال باره داشته است. کودتای نافرجام فرمانده نیروی هوایی سومالی علیه رئیس‌جمهور کشورش در نوامبر ۱۹۷۸م، آغاز مداخله سیاسی و امنیتی اتیوپی برای نابود کردن ژنرال باره بوده است. تشکیل جنبش مسلحانه «جنبش دموکراتیک نجات سومالی» در خاک اتیوپی در سال ۱۹۷۸م، زمینه

را برای آغاز جنگ‌های داخلی و بحران‌های تنش‌زای سیاسی و امنیتی در سومالی فراهم کرد (www.moqatel.com[2008/3/10]). سیاست قبیله‌ای ژنرال زیادباره عامل مهمی در تشدید بحران‌ها و تنش‌های عشیره‌ای و محلی بوده است. این سیاست موجب شد قبایل معارض سومالی سازمان‌های سیاسی و مسلح تشکیل دهند؛ از جمله:

۱. جنبش دموکراتیک نجات سومالی در ۱۹۷۸م در آدیس‌ابابا تشکیل شد و مورد حمایت اتیوپی بود.
  ۲. جنبش ملی سومالی در ۱۹۸۱م در لندن تشکیل شد و از حمایت‌های آدیس‌ابابا برخوردار بود.
  ۳. جنبش میهن‌پرستی سومالی در ۱۹۸۹م در اوگادن پایه‌گذاری شد و با رژیم زیادباره درگیری مسلحانه داشت.
  ۴. کنگره متحد سومالی [۶] در ژانویه ۱۹۸۹م در رم تأسیس شد و از حمایت اتیوپی بهره‌مند بود.
  ۵. جبهه ملی سومالی [۷] از افراد عشیره مریحان در ۱۹۸۹م سازمان یافت.
  ۶. اتحادیه اسلامی سومالی از نیروهای اسلامی در سال ۱۹۹۰م پایه‌ریزی شد.
- جنگ داخلی در سومالی که از نیمه دهه هشتاد شروع شده بود، ارتش و نهادهای امنیتی و سیاسی دولت زیادباره را دچار مشکلات جدی، و بسیاری از قابلیت‌های آن را نابود کرده بود. نیروهای مسلح کنگره متحد سومالی به رهبری ژنرال عیدید در نوامبر ۱۹۹۱م وارد مگادیشو شدند و درگیری میان آن‌ها و هواداران زیادباره زمینه را برای فروپاشی سومالی به‌عنوان دولت-ملت و سقوط دولت ژنرال باره فراهم کرد. از سوی دیگر، رهبران حرکت ملی سومالی (SNM) در ۱۸ مه ۱۹۹۱ با حمایت اتیوپی، منطقه شمالی سومالی را یک‌طرفه مستقل اعلام کردند و کشوری خودخوانده به‌نام «سومالی‌لند» به‌وجود آوردند. محمدابراهیم عقال، مؤسس و اولین رئیس‌جمهور این کشور بود. پس از درگذشت عقال در مه ۲۰۰۲م، طاهر ریالی کاهن جانشین وی شد. اگرچه تاکنون هیچ کشوری موجودیت آن را در مقام کشوری مستقل به‌رسمیت نشناخته است، بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه اتیوپی و رژیم صهیونیستی در این منطقه فعال‌اند و این منطقه را به کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل کرده‌اند (شافعی، ۲۰۰۴). فعالیت‌های تبلیغی و مسلحانه سلفی‌های سومالی سازمان‌یافته در اتحادیه اسلامی سومالی در مناطق لاسی قیری و بلاد و جلی در نزدیکی مرزهای سومالی و اتیوپی، باعث مداخله نظامی ارتش آدیس‌ابابا در خاک سومالی شد. درگیری میان

اسلامگرایان سومالی به رهبری سرهنگ حسن طاهر ادیس و ارتش اتیوپی سابقه تاریخی در ذهن رهبران اتیوپی به وجود آورده است و در آینده نیز مشکلات امنیتی برای سومالی به بار خواهد آورد.

### تحولات شاخ آفریقا پس از جنگ سرد

در پی فروپاشی شوروی و اردوگاه بین‌المللی سوسیالیسم، ژئوپلیتیک منطقه شاخ آفریقا با تغییرات راهبردی روبه‌رو شد. در سومالی مخالفان مسلح وارد مگادیشو شده، رژیم ژنرال زیادباره را در ۲۶ ژانویه ۱۹۹۱ نابود کردند. در ۲۲ می ۱۹۹۰ یمن شمالی و یمن دموکراتیک دوباره در قالب دولت-ملت واحد متحد شدند. نیروهای جبهه انقلابی برای آزادی خلق‌های اتیوپی به رهبری ملیس زیناوی در نبردی فراگیر رژیم سوسیالیستی سرهنگ منگستو هایل ماریام را در می ۱۹۹۱ در هم شکستند و حکومت کثرت‌گرایی سیاسی را در آدیس‌ابابا پایه‌گذاری کردند. اوضاع متغیر اتیوپی زمینه را برای استقلال اریتره در ۲۵ آوریل ۱۹۹۳ مهیا کرد. نخبگان تیگره‌ای با توجه به تسلط تیگره‌ها در اتیوپی و اریتره [۸] در اندیشه برپا کردن دولت تیگره‌ای بزرگی بودند؛ اما اغلب سومالیایی‌ها و امهری‌های شاخ آفریقا با چنین رویکرد سیاسی کاملاً مخالف بودند [۹].

سودان، همسایه اتیوپی و اریتره، در ۱۹۸۹م شاهد تغییری سیاسی در نظام حکومتی بود؛ به این ترتیب که ژنرال البشیر با راه‌اندازی کودتا رژیمی با رویکرد اسلامی را پایه‌گذاری کرد. خارطوم با توجه به تأثیرگذاری ایدئولوژی اسلامگرایی در سیاست‌های راهبردی خود، از جنبش‌های اسلامی شاخ آفریقا به‌ویژه در سومالی، اتیوپی و اریتره حمایت می‌کرد و از سوی دیگر آدیس‌ابابا، سودان را کانون تهدیدزا برای امنیت خود می‌پنداشت. مناسبات ویژه و گسترده میان اسمره و خارطوم، رژیم زیناوی را بسیار نگران کرد و روابط سیاسی خود را با سودان کاهش داد و در پی آن حمایت‌های خود را از جدایی‌خواهان منطقه جنوب سودان آشکار کرد. ترور نافرجام مبارک، رئیس‌جمهور مصر (که در اجلاس سران کشورهای سازمان وحدت آفریقا در ۱۹۹۵ در آدیس‌ابابا شرکت کرده بود) و متهم شدن سودان در این ترور، مناسبات اتیوپی و سودان را متشنج‌تر کرد. آدیس‌ابابا نیز با غربی‌ها در سازمان ملل در مجازات خارطوم همگرا بود (عبدالملک عوده، ۱۹۹۱).

اتیوپی در دهه نود، به منظور تثبیت نظام سیاسی و تأمین نیازهای امنیتی و اقتصادی خود به تحرک فعال منطقه‌ای نیاز ضروری داشت. برخی بحران‌های منطقه‌ای بسیاری از نیازمندی‌های استراتژیک اتیوپی را تا حدودی تأمین کرد؛ از جمله:

۱. فروپاشی دولت-ملت سومالی؛
۲. مشکل اوگادن؛
۳. بحران اشغال جزیره حنیش بزرگ توسط اریتره و تنش میان یمن و اریتره؛
۴. تنش در روابط سودان با اتیوپی و اسمره؛
۵. بازسازی اریتره پس از استقلال؛
۶. جنگ مرزی میان اریتره و اتیوپی؛
۷. جنگ داخلی و عشیره‌ای در جیبوتی.

هر کدام از این بحران‌ها و تنش‌ها بر تحرک و جایگاه منطقه آدیسی‌ابابا تأثیرگذار بوده است (مورو، ۲۰۰۶). تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر بحران‌های یادشده نیاز به مطالعه و بررسی بیشتری دارد و از حوصله این مقاله خارج است.

پس از فروپاشی نظام سیاسی ژنرال زیادباره، یکپارچگی سرزمین سومالی و وحدت ملی آن از هم گسست و آشفتگی سیاسی و اجتماعی در سراسر این سرزمین حاکم شد. سومالی تا حدودی به کانتون‌های مستقل و شبه‌مستقل تبدیل، و به چهار قسمت تجزیه شد:

- در مگادیشو دولت موقت حاکم بود و شمال و جنوب آن میان عشایر هویه و میلیشیای وابسته به ژنرال محمد فارح عیدید (مخالف سیاست‌های اتیوپی) و علی مهدی محمد (مورد حمایت آدیسی‌ابابا) تقسیم شده بود [۱۰].
- در شمال شرقی سومالی، کیان سیاسی به نام «دولت پونت لاند» در ۱۹۹۸م تأسیس شد و پایتخت آن شهر جروی بود. مؤسس آن ژنرال عبدالله یوسف [۱۱] بود؛ ولی به سبب درگیری ژنرال عبدالله یوسف در مذاکرات آشتی ملی، رهبری این کیان به عهده جامع علی جامع گذاشته شد. رهبران این کیان بیشتر خواهان نوعی خودمختاری بودند و رویکردهای تجزیه‌طلبانه از سومالی نداشتند. اتیوپی در شکل‌گیری این کیان نقش، و با رهبران آن پیوندهای گوناگون داشته است.
- جمهوری سومالی لاند در شمال غربی سومالی قرار دارد و به دست ابراهیم عقال از رهبران گروه‌های مخالف زیادباره در ۱۸ می ۱۹۹۱م تأسیس شد. پایتخت آن شهر

- هرگیساست. رئیس جمهور کنونی آن طاهر ریال است و ارتباط سیاسی ممتازی با اتیوپی و رژیم صهیونیستی دارد.
- جمهوری جنوب غربی سومالی: شهر بیداوا مرکز آن است و در مارس ۲۰۰۲م با حمایت‌های اتیوپی و به‌دست ارتش رحناوین تأسیس شد. سرهنگ محمدحسن نور رهبر این کیان سیاسی و نظامی بود.
- درگیری سنتی و تاریخی میان قبایل دارود، هویه و رحناوین [۱۲] بر سر چراگاه‌ها، با فروپاشی کشور و دخالت‌های اتیوپی وارد مرحله خطرناکی شد و سیاسی شدن این قبایل بحران کشور را پیچیده کرد. در این احوال، برخی از کشورهای منطقه برای جلوگیری از سرایت بحران سومالی به نقاط دیگر منطقه شاخ آفریقا، به میانگیری میان طرف‌های درگیر در سومالی پرداختند؛ اما اتیوپی به‌دلیل حفظ نفوذ و منافع منطقه‌ای خود سهم زیادی در این دیپلماسی داشت. تلاش‌های انجام‌شده برای آشتی ملی میان عناصر درگیر سومالی به این شرح است (انوشه، ۱۳۸۵ الف: ۴۹):
۱. ابتکار عمل مصر و ایتالیا در سال ۱۹۸۹م: ژنرال زیادبازه و نیروهای مخالف آمادگی پذیرش این ابتکار عمل را نشان ندادند و در همان اوایل کار شکست خوردند.
  ۲. کنگره آشتی ملی سومالی در ۱۹۹۱م در جیبوتی: در آن دوران، این کنگره موفقیت چشمگیری به‌دست آورد. انتخاب علی‌مهدی محمد به‌عنوان اولین رئیس دولت موقت سومالی، یکی از نتایج این کنگره بود که با مخالفت ژنرال عیدید روبه‌رو شد و مگادیشو به صحنه جنگ داخلی میان نیروهای او و ارتش دولت موقت تبدیل گشت. دولت اتیوپی همواره از علی‌مهدی محمد حمایت می‌کرد و بر ضد رقیبش، یعنی ژنرال عیدید تلاش‌های خصمانه داشت.
  ۳. کنگره ایگاد: این اجلاس در ۱۹۹۲م در شهر آدیس‌آبابا، پایتخت اتیوپی، میان گروه‌های درگیر برگزار شد و به‌دلیل حضور نداشتن بازیگران منطقه‌ای عرب شکست خورد.
  ۴. توافق ۱۹۹۳م: گروه‌های سومالیایی برای برقراری آتش‌بس در شهر کیسمایو (بندر استراتژیک در جنوب سومالی است) گرد آمدند و توافق‌نامه‌ای امضا کردند.
  ۵. اعلامیه قاهره ۱۹۹۴م: مصر از دیرباز نقش مهمی در تحولات شاخ آفریقا، به‌ویژه سومالی داشته است. اولین هسته‌های جنبش‌های آزادی‌بخشی اریتره در قاهره سازمان یافتند و در دهه نود برای پایان دادن به بحران سومالی (کشور عربی و عضو اتحادیه عرب است) تلاش‌های دیپلماتیک فعالی داشتند. اما در هزاره سوم، قاهره

- تاحدودی و با توجه به ملاحظاتی، سیاست خارجی خود را در برابر بحران‌های شاخ آفریقا کاهش داد و به‌نوعی به نقش اتیوپی در منطقه مهر تأیید زد. در نشست گروه‌های سومالی در ۱۹۹۴ در قاهره، اعلامیه‌ای برای برقراری صلح و ثبات در این کشور بحران‌زده صادر شد؛ ولی این نشست به‌دلیل مخالفت ژنرال عیدید شکست خورد.
۶. اعلامیه نایروبی ۱۹۹۴م: گروه‌های سومالیایی در نایروبی برای برقراری آتش‌بس گرد هم آمدند و اصولی همچون یکپارچگی سرزمین سومالی و توزیع عادلانه قدرت را تأیید کردند.
۷. توافق‌نامه آدیس‌آبابا ۱۹۹۴م: این توافق به‌دلیل ادامه جنگ داخلی و تنش‌های عشیره‌ای و محلی شکست خورد.
۸. توافق‌نامه سودری ۱۹۹۶م: در اتیوپی برگزار شد؛ اما به‌دلیل شرکت نکردن برخی از رهبران و جنگ‌سالاران سومالی شکست خورد.
۹. توافق‌نامه صنعا ۱۹۹۷م: یمن از لحاظ ژئوپلیتیکی تاحدودی ادامه منطقه شاخ آفریقا و همواره از پیامدهای بحران‌های شاخ آفریقا متأثر بوده و از آوارگان جنگ‌های داخلی این منطقه پذیرایی کرده است. این کشور همچنین برای مهار تحرکات اریتره در سال ۲۰۰۳م، ائتلافی منطقه‌ای به‌نام «تجمع کشورهای صنعا» تشکیل داد [۱۳]. صنعا هنوز هم در تحولات سومالی نقش مؤثری دارد و همواره میزبان رهبران گروه‌های درگیر بوده است. توافق صنعا در ۱۹۹۷ برای برقراری آتش‌بس پایدار بوده است.
۱۰. اعلامیه قاهره ۱۹۹۷م: گروه‌های رقیب در سومالی در دسامبر ۱۹۹۷م نشست برگزار کردند و اعلامیه‌ای را برای برگزاری اجلاس آشتی ملی در فوریه ۱۹۹۸ امضا کردند؛ ولی به‌دلیل مخالفت برخی از رهبران سومالی و دخالت اتیوپی برای جلوگیری از افزایش نفوذ قاهره در سومالی، نتایج نشست قاهره به‌ثمر نرسید.
۱۱. ابتکار عمل جیبوتی ۲۰۰۰م: گروه‌های سومالی در شهر عرتای جیبوتی گرد هم آمده، به توافق‌هایی رسیدند؛ از جمله انتخاب عبدالقاسم صلا حسان به‌عنوان رئیس دولت موقت و تلاش جهت تشکیل پارلمان موقت براساس سهم‌بندی کرسی‌ها براساس جمعیت و قدرت قبایل چهارگانه پراهمیت سومالی.
- کشورهای عربی (حلیمه، ۲۰۰۶)، به‌ویژه لیبی نقش مهمی در موفقیت اجلاس عرتا و انتخاب رئیس دولت موقت سومالی داشتند. سرهنگ قذافی برای تغییر معادلات

منطقه‌ای به سود اریتره (هم‌پیمان خود و رقیب منطقه‌ای اتیوپی) از دولت موقت صلا‌دحسن حمایت‌های همه‌جانبه کرد؛ ولی ابتکار عمل عرتا نتوانست صلح پایدار در سومالی بحران‌زده را برقرار کند.

علل و عوامل شکست تلاش‌های صلا‌دحسن را می‌توان در این محورها خلاصه کرد:

۱. صلا‌دحسن گرایش‌های اسلامی داشت و دادگاه‌های اسلامی، شخصیت‌های اسلام‌گرای سومالی را زیر چتر حمایت خود قرار داد. این اقدام حساسیت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را برانگیخت.
  ۲. صلا‌دحسن در تقسیم قدرت و ثروت با رهبران قبایل و جنگ‌سالاران سومالی به توافق نرسید و این نیروهای مسلح با تحریک بازیگران منطقه‌ای به عامل معارض علیه دولت موقت تبدیل شدند. تداوم تنش میان دولت موقت و گروه‌های رقیب، ثبات لرزان سومالی را به جنگ داخلی تبدیل کرد.
  ۳. اتیوپی با سیاست خارجی فعال توانست ائتلافی منطقه‌ای از کنیا و اوگاندا علیه دولت موقت صلا‌دحسن به‌وجود آورد.
  ۴. اتیوپی کشورهای مسیحی تجمع کشورهای ایگاد [۱۴] را همواره با خود همراه نمود و بازیگران عرب منطقه را از دخالت در سومالی با شیوه‌های گوناگون دور کرد. شکست ابتکار عمل عرتا یکی از نتایج سیاست‌های اتیوپی است.
- کشورهای ایگاد توانستند در اکتبر ۲۰۰۲م گروه‌های رقیب سومالی را در نایروبی گرد آورده، فضای سیاسی را برای انتخاب دولت موقت جدید و پارلمان عشیره فراهم کنند. گروه‌های درگیر پس از بیش از ده جلسه توانستند پس از تشکیل پارلمان براساس سهمیه قبایل در اوت ۲۰۰۴ ژنرال عبدالله یوسف را به‌مقام رئیس دولت موقت جدید برگزینند. در دسامبر ۲۰۰۴ نیز عبدالله یوسف و پارلمان موقت سومالی، علی محمد گودی را به‌مقام نخست‌وزیری سومالی برگزیدند و پست‌های وزارتی را میان جنگ‌سالاران و شیوخ قبایل تقسیم کردند. اتیوپی، کنیا و اوگاندا حامیان منطقه‌ای ژنرال عبدالله یوسف بودند و او را در برابر قدرت‌یابی اتحادیه دادگاه‌های اسلامی به‌رهبری شیخ شریف احمد و شیخ طاهر اویس حمایت می‌کردند.
- پیامدهای حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و سیاست مبارزه‌جویانه آمریکا با تروریسم جهانی بر تحولات منطقه شاخ آفریقا تأثیرات گوناگونی داشت و به تحرك آديس‌ابابا به‌عنوان بازیگر مهم منطقه در ابعاد مختلف کمک‌های فراوانی کرد. اگرچه تنش‌های مرزی [۱۵] میان اریتره و اتیوپی برای تحركات منطقه‌ای آديس‌ابابا و نقش ملی و

هژمونی منطقه‌ای آن هزینه کلانی دربرداشت، تحولات منطقه پس از یازده سپتامبر به فعال‌سازی اتیوپی در عرصه شاخ آفریقا کمک کرد.

آمریکا با توجه به فروپاشی دولت-ملت سومالی نگران بود که مبادا این منطقه به پناهگاهی برای نیروهای القاعده تبدیل شود. این حوادث از دیدگاه آمریکایی‌ها اقداماتی علیه منافع و امنیت ملی‌شان تلقی می‌شود (انوشه، ۱۳۸۷ب):

۱. کشته شدن هجده تفنگدار آمریکایی در موگادیشو در ۱۹۹۳ توسط نیروهای اسلامگرا.

۲. انفجار دو سفارتخانه آمریکا در نایروبی و دارالسلام در ۱۹۹۸ که سبب کشته شدن بیش از دویست نفر شد؛

۳. حمله انتحاری به ناوشکن کول در سواحل یمن در اکتبر ۲۰۰۰ و کشته شدن هفده ملوان آمریکایی؛

۴. حمله تروریستی به هتل محل اقامت گردشگران رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۰۲ در شهر مومباسا در کنیا.

اتیوپی نقش مهمی در عملیات نظامی و امنیتی آمریکا علیه تروریسم منطقه‌ای داشت؛ از جمله:

۱. اتیوپی نقش مؤثری در انجام اقدامات عملیاتی نیابتی علیه گروه‌های اسلامی سومالی داشت.

۲. آدیس‌آبابا با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا همکاری اطلاعاتی داشت.

۳. اتیوپی برای اجرایی شدن برنامه‌های امنیتی-نظامی آمریکا و ناتو برای کنترل امنیت سواحل منطقه تسهیلات فراوان عرضه کرد.

۴. رهبران اتیوپی برای تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود در ایجاد شبکه جاسوسی-امنیتی توسط آمریکا در کشورهای منطقه به‌ویژه سومالی نقش کلیدی داشت.

۵. اتیوپی در سازمان‌دهی جنگ سالاران سومالی در اوایل سال ۲۰۰۶م برای مقابله با گسترش اقتدار اتحادیه دادگاه‌های اسلامی نقش اساسی داشت. جنگ سالاران در قالب سازمان دموکراسی برای مبارزه با تروریسم سازمان‌یافته و رهبران این سازمان اغلب از وزیران دولت موقت [۱۶] ژنرال عبدالله یوسف بودند.

با تحریک اتیوپی و آمریکا، جنگ سالاران علیه اتحادیه دادگاه‌های اسلامی اقدامات ایذایی و تنش‌زایی انجام دادند که به جنگ داخلی تمام‌عیار در مگادیشو، از فوریه تا ژوئن ۲۰۰۶م، تبدیل شد. پیروزی دادگاه‌های اسلامی برای دولت موقت و متحدان آن

همچون آمریکا و اتیوپی تهدیدزا بود. با میانجیگری برخی از کشورهای عربی همچون سودان، دولت موقت و اتحادیه دادگاه‌ها برای تشکیل دولت آشتی ملی به توافق نرسیدند و سه دوره مذاکرات در خارطوم نتیجه‌بخش نبود. افزایش تنش در شهرهای سومالی، دولت موقت سومالی را به سراشیبی سقوط سوق داد؛ بنابراین، رئیس دولت موقت و اعضای پارلمان سومالی از اتیوپی کمک خواستند. ارتش اتیوپی با هماهنگی کنیا و حمایت آمریکا از شهرهای مرزی، به کانون‌های قدرت اتحادیه دادگاه‌های اسلامی حملات کوبنده و گسترده‌ای انجام داد و نیروی هوایی آمریکا برای ارتش اتیوپی پوشش‌های جنگی لازم را فراهم کرد. به این ترتیب، نیروهای شبه‌نظامی دادگاه‌های اسلامی با سرعت غیرمنتظره در تمام جبهه‌ها شکست خوردند و ارتش اتیوپی مگادیشو را پس از بیرون راندن نیروهای دادگاه‌های اسلامی در اوایل ۲۰۰۷م تصرف کرد.

برخی از مطبوعات عربی همچون *الاتحاد و الخلیج* چاپ امارات در همان اوایل جنگ میان اتیوپی و دادگاه‌های اسلامی، طی مجموعه گزارش‌هایی آشکار کردند که رژیم صهیونیستی نقش مهمی در تشویق و تحریک اتیوپی برای به‌راه انداختن جنگی تمام‌عیار علیه نیروهای اسلام‌گرای سومالی داشته است. اقدامات نظامی اتیوپی در واقع جنگ نیابتی با حمایت همه‌جانبه آمریکا علیه نیروهای اسلام‌گرای سومالی بوده است. اهداف اتیوپی را در این جنگ می‌توان در این محورها خلاصه کرد:

۱. افزایش قدرت اسلام‌گرایان در سومالی (یوسف، ۲۰۰۷) برای دولت مسیحی و تمامیت‌خواه زیناوی تهدیدی جدی بود. آدیس‌ابابا از فراگیرشدن اندیشه اسلامی در جامعه خود هراس داشت و همچنین اتیوپی از احیای قدرت نیروهای سومالی در اوگادن نگران بود.
۲. شکست دولت موقت سومالی که برآیند توافق اتیوپی و کنیا بوده است، برای وجاهت منطقه‌ای آدیس‌ابابا مشکلات بی‌شماری ایجاد می‌کرد؛ از این‌رو، حمله ارتش اتیوپی در واقع نوعی دفاع از نقش آن کشور در منطقه شاخ آفریقا بود.

### عوامل شکست شتابزده اتحادیه دادگاه‌های اسلامی سومالی در برابر ارتش

#### اتیوپی

پژوهشگران مسائل شاخ آفریقا در ابتدای درگیری‌ها میان ارتش اتیوپی و نیروهای شبه‌نظامی اتحادیه دادگاه‌های اسلامی سومالی معتقد بودند درگیری‌های مسلحانه میان طرفین پس از مدتی به جنگی فرسایشی در خاک سومالی تبدیل خواهد شد و اتیوپی

متحمل تلفات زیادی خواهد شد؛ زیرا نیروهای دادگاه‌های اسلامی در نبرد از طرفندهای چریکی، جنگ و گریز و جنگ‌های شهری استفاده خواهد کرد. اما شکست زود هنگام نیروهای دادگاه‌های اسلامی، بسیاری از تحلیلگران را غافلگیر کرد و شالوده تحلیل‌ها و تفسیرهای زیادی را درباره این جنگ در هم ریخت.

عوامل زیادی در شکست نیروهای دادگاه‌های اسلامی (محمدالامین محمدالهادی، ۲۰۰۷) دخیل بوده است؛ از جمله:

۱. استوار نبودن پایه‌های حکومت اسلامی: دیدگاه‌ها و تصورات نیروهای اسلامی سازمان‌یافته و منسجم نبود؛ همچنین تلاش و کارکرد رهبران اتحادیه برای تثبیت پایه‌های قدرت خود در سراسر سومالی در پرتو برنامه منظم و راهبردی انجام نشد. اشکال پایه‌ای اتحادیه دادگاه‌ها، در ذهنیت سلفی‌گری اغلب رهبران آن بود. بسیاری از پژوهشگران اندیشه سلفی بر این باورند فکر سیاسی و مدنی سلفی با اندیشه دولت مدرن بسیار متفاوت و بلکه متناقض است. پژوهشگران سومالی معتقدند علل زیادی در ناموفق بودن اتحادیه دادگاه‌ها در تشکیل دولت اسلامی در سومالی مؤثر بوده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) نداشتن تجربه مدیریت دولت؛

ب) عملکرد اتحادیه برای اداره شهرها همچون جمعیت خیریه و یا هیئت تبلیغی و ارشادی بود.

ج) اتحادیه حتی در اداره کردن دادگاه‌ها و اجرای احکام شریعت اسلامی به‌طور سنتی عمل می‌کرد و در چارچوب مقررات قانونی و اداری دولت‌های جدید کارکرد نداشت.

د) بسیاری از رهبران اتحادیه به تداوم جهاد و رویکرد تبلیغی و ارشادی اعتقاد داشتند و در اندیشه تشکیل دولت جدید و تحکیم پایه‌های آن نبودند؛

ه) چیره بودن عرف‌ها و اندیشه‌های عشیره‌ای: اغلب رهبران اتحادیه هنوز تحت تأثیر قوانین و احکام عرفی قبایل خویش بودند و این امر موانعی ذهنی و ساختاری در راه ایجاد دولت نوین سومالی به شمار می‌رفت.

و) جریان سلفی اتحادیه دادگاه‌های اسلامی بر الگوی برداری از دولت طالبان افغانستان تأکید داشت و این اندیشه و سیاست در زمینه‌ها و سطوح مختلف برای آینده اتحادیه به‌عنوان بازیگر فعال محلی، مشکلات بی‌شماری ایجاد می‌کرد.

ز) نبود انسجام و هماهنگی میان رهبران اتحادیه‌ی دادگاه‌ها: در دوره‌ی اتحادیه‌ی گروه‌های مختلف اسلامی، محلی و عشیره‌ای وجود داشت و پیوندهای قبیله‌ای، سطح خواسته‌ها، و اختلاف دیدگاه‌های سیاسی و فکری، موانع اساسی در راه انسجام فکری و عملی رهبران اتحادیه بود.

۲. اشتباه‌های راهبردی در دیپلماسی اتحادیه‌ی دادگاه‌ها: اتحادیه‌ی دادگاه‌های اسلامی درک روشنی از موقعیت داخلی خود نداشتند و در عرصه‌ی خارجی و تعامل با همسایگان خود نیز دچار اشتباه‌های بزرگ استراتژیک می‌شدند. بی‌تجربگی در اداره و زمامداری کشور و همچنین بلندپروازی و تسلط گفتمان‌های تندرو سلفی، مشکلات بسیاری را برای رهبران اتحادیه‌ی دادگاه‌ها در سطح محلی و منطقه‌ای ایجاد کرد (ولداحد سالم، ۲۰۰۶).

رهبران سلفی اتحادیه‌ی دادگاه‌ها بدون تحکیم موقعیت سیاسی و داخلی خود با تحریک حساسیت‌های همسایگان قوی و مسیحی خویش مرتکب خطاهای راهبردی شدند. به‌نظر آگاهان به مسائل سومالی، احیای اندیشه‌ی سومالی بزرگ و متحد، جنبش برای احیا و فعال‌سازی تلاش‌ها برای آزادی اوگادن، تبلیغ برای ایجاد دولت اسلامی در سراسر شاخ آفریقا و توسعه‌ی دامنه‌ی جهاد اسلامی در این منطقه از اشتباه‌های راهبردی اتحادیه‌ی دادگاه‌ها در عرصه‌ی سیاست خارجی بوده است.

### وضعیت امنیتی سومالی پس از جنگ

با شکست سریع نیروهای اتحادیه‌ی دادگاه‌ها در جنگ دسامبر ۲۰۰۶ و حضور ارتش اتیوپی و بازسازی دولت موقت ژنرال عبدالله یوسف، امنیت و ثبات به این کشور بحران‌زده بازنگشت. با تشکیل هسته‌های مقاومت اسلامی و عشیره‌ای، دامنه‌ی بی‌ثباتی و گسترش کانون‌های تهدیدزا گسترش یافت. تنفر مردم سومالی از اتیوپی، پیشینه‌ای تاریخی و سنتی دارد. حضور ارتش اشغالگر اتیوپی در خاک این کشور، حساسیت‌های مردم این سامان را افزایش داد و حتی دولت موقت عبدالله یوسف به سبب حمایت‌های اتیوپی، نزد افکار عمومی منفور و نامشروع بود (عبدالرحمن یادو، ۲۰۰۸).

اوضاع سیاسی و امنیتی سومالی پس از ورود ارتش اتیوپی به شدت بر عناصر و عوامل قدرت داخلی تأثیر گذاشت و دامنه‌ی رقابت و اختلاف‌های عشیره‌ای را گسترش داد. اغلب رهبران اتحادیه‌ی دادگاه‌های اسلامی از عشایر «ابگال» و «حبرجدر» وابسته به قبیله‌ی هویه بودند، درحالی‌که رهبران دولت موقت به ریاست عبدالله یوسف از قبیله‌ی دارود بودند که

رقیب سنتی و تاریخی قبیله هویه به شمار می‌آمدند. دولت موقت عبدالله یوسف با وجود حمایت‌های همه‌جانبه اتیوپی و آمریکا به دلیل ارتکاب برخی اشتباه‌های راهبردی شکست خورد:

۱. مخالفت شدید عبدالله یوسف با نیروهای اسلامگرا؛
  ۲. سیاست عشیره‌ای عبدالله یوسف و تلاش برای کاهش جایگاه و قدرت سنتی دیگر قبایل از جمله هویه؛
  ۳. توجه به منافع شخصی و قبیله‌ای در اتخاذ سیاست‌های کلان به‌ویژه در زمینه سیاسی و امنیتی؛
  ۴. مخالفت عبدالله یوسف با هرگونه مذاکره با گروه‌های مخالف به‌ویژه اتحادیه دادگاه‌ها، قابلیت مانور وی را در عرصه سیاست خارجی و تعامل با بازیگران داخلی کاهش داد. در مقابل، نیروی‌های اسلامی و عشیره‌ای مخالف به‌شدت در برابر دولت موقت به‌ریاست عبدالله یوسف موضع گرفتند و او را برکشیده و مزدور اتیوپی (دشمن تاریخی خود) می‌پنداشتند. در این میان، نیروی‌های سلفی در قالب سازمان جوانان مجاهدین سومالی تشکیل شدند و به جهاد مسلحانه علیه ارتش اتیوپی و نیروهای دولت موقت پرداختند. اریتره، رقیب اتیوپی، درصدد برآمد نیروهای معارض دولت موقت را دگر باره سازمان‌دهی کند و تسهیلات نظامی و پشتیبانی در اختیار آن‌ها قرار دهد (وهلیه، ۲۰۰۸).
- رهبران اتحادیه دادگاه‌های اسلامی پس از خروج از سومالی به سازمان‌دهی نیروهای باقی‌مانده خود پرداختند و اریتره برای حضور فعال در سومالی، تسهیلات خدماتی در اختیار رهبران اتحادیه گذاشت. در نیمه ۲۰۰۷م، اسمره میزبان تشکیل جبهه ائتلافی از مخالفان دولت موقت بود. ائتلاف برای بازگرداندن آزادی سومالی - که شیخ شریف شیخ احمد به‌عنوان دبیرکل آن برگزیده شد - در واقع یک چتر سازمانی و تشکیلاتی بود و گروه‌های مختلف از مخالفان را دربرداشت؛ اما دادگاه‌های اسلامی ستون فقرات این ائتلاف بود. رویکرد اصلی ائتلاف، مبارزه سیاسی در سطح محلی و منطقه‌ای بود؛ به‌همین سبب، بخش‌هایی از نیروهای مسلح دادگاه‌های اسلامی به‌نشانه اعتراض از بدنه اتحادیه خارج شدند و به گروه‌های سلفی جهادی پیوستند. عبدالله یوسف که به‌شدت با مذاکره با رهبران ائتلاف برای بازگرداندن آزادی سومالی مخالفت می‌کرد، تحت فشارهای داخلی و خارجی شدیدی بود. در داخل نیز نمایندگان پارلمان و برخی از وزرا از جمله نخست‌وزیر دولت موقت هوادار مذاکره با ائتلاف بود.

سازمان منطقه‌ای ایگاد، اتحادیه اروپا و حتی آمریکا با شیوه‌های مختلف برای شروع مذاکره میان نیروی‌های درگیر فشارهایی را بر رئیس دولت موقت وارد می‌کردند. پیش از شروع مذاکرات میان دولت موقت و رهبری ائتلاف برای آزادی سومالی، میان شیخ شریف و سفیر آمریکا در کنیا گفت‌وگوی مفصلی برگزار شد که به توافق‌هایی منجر شد؛ از جمله عدم ورود نیروهای مسلح ائتلاف به صحنه‌های جنگ علیه ارتش اتیوپی و نیروهای مسلح دولت موقت و تأکید بر مذاکرات مسالمت‌آمیز جهت خروج از بحران مزمن سومالی.

مذاکره ائتلاف برای آزادی با دولت موقت، انشعاب بزرگی در بدنه ائتلاف پدید آورد. گروه طرفدار مذاکره به رهبری شیخ شریف به جیوتی-که محل مذاکرات آشتی ملی میان ائتلاف و دولت موقت بود- رفتند و این کشور را کانون تداوم مبارزه برای حل مسالمت‌آمیز بحران سومالی برگزیدند. گروه مخالف مذاکره با دولت موقت به رهبری شیخ طاهر اویس در اسمره باقی ماندند و به ائتلاف برای آزادی سومالی- شاخه اسمره معروف بودند (عبدالولی شیخ محمد حاجی یوسف، ۲۰۰۸). حمایت اریتره از گروه‌های تندرو و مخالف مذاکره با دولت موقت، اسمره را دچار مشکلات منطقه‌ای کرد و باعث تنش در مناسبات اسمره- واشنگتن شد. کاخ سفید آشکارا اسمره را به حمایت از تروریست‌های وابسته به القاعده متهم می‌کرد و اتحادیه آفریقا نیز این کشور را به کارشکنی در راه حل مسالمت‌آمیز بحران سومالی متهم می‌نمود.

اتیوپی از این اوضاع به خوبی بهره‌مند شد و در این محورها فعالیت کرد:

۱. اتیوپی با تحرکات دیپلماتیکی منطقه‌ای و افزایش ارتباطها با کاخ سفید سعی داشت اریتره را به شدت منزوی کند. آدیس‌آبابا در اتحادیه آفریقا نیز برای انزوای منطقه‌ای اسمره تلاش می‌کرد.
۲. در عرصه رسانه‌ای و جنگ روانی نیز سعی می‌کرد سلفی‌های جهادی را به رهبری جوانان مجاهدین سومالی به وابستگی به القاعده متهم کند تا برای خود و ارتشش کمک‌های خارجی گوناگونی از آمریکا دریافت کند. حضور ارتش اتیوپی در سومالی به کمک‌های مالی و نظامی آمریکا وابستگی شدیدی داشت و هرگونه نوسان‌هایی در کمک‌رسانی آمریکا، ارتش اتیوپی را در سومالی دچار مشکلات جدی می‌کرد.
۳. در داخل سومالی به موازات عملیات نظامی و دفاع از حضور نظامی خود در خاک سومالی، به اقدامات امنیتی و اطلاعاتی می‌پرداخت، با آمریکا همکاری و هماهنگی امنیتی و نظامی داشت و در نابودی هسته‌های مسلح سلفی‌ها کوشش می‌کرد.

شاخص‌های سیاسی و امنیتی شاخ آفریقا در دوران حضور نظامی اتیوپی در سومالی (۲۰۰۷-۲۰۰۹) از این قرار است:

۱. با افزایش گستره مناسبات میان جیبوتی و آدیسا ابابا و قرار گرفتن بندرهای این کشور در اختیار اتیوپی، تنش میان اریتره و این کشور آغاز شد. نقش جیبوتی در روند مصالحه میان ائتلاف آزادی سومالی - جناح جیبوتی و دولت موقت سومالی، روابط میان اسمره و جیبوتی را تیره کرد. ارتش اسمره نیز با اشغال منطقه کویری «دومیره» (انوشه، ۱۳۸۷: ۳۸) و جزیره کوچک در ژوئن ۲۰۰۸ اوضاع شاخ آفریقا را پرتنش کرد.

۲. اجرایی نشدن توافق‌های صلح الجزیره میان اتیوپی و اریتره مانع از بازگشت مناسبات میان آدیسا ابابا و اسمره به وضعیت طبیعی خود بود و عامل اضافی در تشدید رقابت طرفین در مسائل سومالی و قضایای شاخ آفریقا به‌شمار می‌آمد.

۳. دزدی دریایی در منطقه خلیج عدن، باب‌المنذب و سواحل شاخ آفریقا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹م افزایش یافت و ناپایداری امنیت و ثبات در این منطقه بحرانی را گسترده‌تر کرد. این عامل منطقه را به کانون تهدیدزا برای امنیت جهانی تبدیل کرد. اتیوپی از شرایط و نتایج این پدیده برای تقویت حضور نظامی خود در سومالی به‌خوبی بهره‌برداری کرد.

۴. سودان مناسبات خود را با اتیوپی و اریتره به‌سبب مشکلات و بحران‌های داخلی خود، به‌ویژه بحران دارفور و منطقه شرقی سودان، بهبود داد؛ ولی اولویت مناسبات راهبردی خود را به اتیوپی داد؛ زیرا به سیاست‌های منطقه‌ای رهبران اریتره اعتماد کامل نداشت.

۵. افزایش تنش میان عناصر بازیگر داخل سومالی: در دولت موقت ائتلاف برای آزادی سومالی و جبهه جریان‌های اسلامگرای سومالی پراکندگی و درگیری گسترده‌ای وجود داشت.

مهم‌ترین عوامل پراکندگی و درگیری در جریان‌های اسلامگرا از این قرار است:

۱. جنبش جوانان مجاهدین سومالی در نیمه ۲۰۰۶ و اوایل ۲۰۰۷م از اتحادیه دادگاه جدا شد و خط‌مشی جهادی اتخاذ کرد. ایدئولوژی این جنبش براساس باورهای وهابی و سلفی جهادی بود.

۲. جبهه اسلامی - آزادی سومالی بخشی از اتحادیه دادگاه‌ها و گروه الاعتصام بالکتاب والسنة بود؛ ولی در پرتو اشغال کشور توسط ارتش اتیوپی، خط‌مشی جهادی پیدا

- کرد و گاهی در عملیات نظامی علیه ارتش اتیوپی با جنبش جوانان مجاهدین همکاری داشت.
۳. ائتلاف آزادی سومالی - جناح جیبوتی به رهبری شیخ شریف طرفدار مذاکره مسالمت‌آمیز با دولت موقت سومالی بود.
۴. ائتلاف آزادی سومالی - جناح اسمره به رهبری شیخ حسن طاهر اویس با هرگونه مذاکره با دولت موقت مخالف بود و ژنرال عبدالله یوسف را مزدور ارتش اتیوپی می‌دانست.
۵. دادگاه‌های اسلامی - جناح داخلی.
۶. دادگاه‌های اسلامی جناح عمر ایمان.
۷. پایگاه رأس کمبونی به رهبری شیخ حسن ترکی که در فهرست گروه‌های سلفی جهادی بوده است.
- ارتش اتیوپی طی دو سال حضور خود در سومالی، هزینه‌ها و زیان‌های کلانی را متحمل شد. این ارتش همواره درگیر نبرد با نیروهای شبه‌نظامی جنبش جوانان مجاهدین سومالی بود. مهم‌ترین عملیات نظامی جوانان مجاهدین عبارت است از:
۱. دوازده اوت ۲۰۰۸: تصرف بندر و شهر ساحلی و راهبردی کیسمائو و تأسیس امارات اسلامی در این منطقه؛
  ۲. یازده نوامبر ۲۰۰۸: تسخیر شهرهای بولوماریر و کوریولی در وسط سومالی؛
  ۳. دوازده نوامبر ۲۰۰۸: تصرف بندر مهم مرکا در نود کیلومتری جنوب غربی موگادیشو؛
  ۴. پانزده نوامبر ۲۰۰۸: تسخیر شهر باراو در ۱۸۰ کیلومتری جنوب غربی موگادیشو؛
  ۵. شش دسامبر ۲۰۰۸: تصرف شهر گوریمال در وسط سومالی.
- افزایش تنش و اختلاف میان نخبگان و مقامات دولت موقت و پارلمان موقت بر سر موضوعاتی همچون مذاکره با ائتلاف آزادی سومالی به رهبری شیخ شریف، تداوم حضور نظامی اتیوپی و تشکیل دولت اسلامی توسط جریان‌های سلفی مسلح، آینده سومالی را پیچیده کرد و عرصه را بر ارتش اتیوپی تنگ‌تر کرد.

### اهتمام قدرت‌ها به منطقه شاخ آفریقا

موقعیت ژئوپلیتیک منطقه توجه و اهتمام قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای را به خود جذب کرده است. در این میان، رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای و آمریکا به‌عنوان قدرت فرامنطقه‌ای توجه راهبردی به این منطقه دارند. اتیوپی با درک این توجه

و نیاز از سوی قدرت‌های دیگر، تلاش کرده است مناسبات خود را با آمریکا و رژیم صهیونیستی گسترش دهد و این عامل را در خدمت اهداف راهبردی خود در شاخ آفریقا، به‌ویژه سومالی به‌کار گیرد. همکاری امنیتی و نظامی آدیس‌ابابا با واشنگتن و تل‌آویو اهمیت خاصی در تحرک منطقه‌ای اتیوپی داشته است. این کشور برای خنثی کردن نقش بازیگری قدرت‌های عربی و اسلامی در شاخ آفریقا از نفوذ سیاسی آمریکا در محافل بین‌المللی و منطقه‌ای به‌خوبی استفاده کرده است.

### عقب‌نشینی اتیوپی

با توجه به اوضاع داخلی سومالی و سیاست‌های جدید آمریکا در منطقه، ارتش اتیوپی پس از تحمل تلفات و هزینه‌های گوناگون و سپردن قدرت به جریان میانه‌رو سومالیایی، خاک سومالی را در اواخر ژانویه ۲۰۰۹ ترک کرد و به پادگان‌های خود بازگشت.

آگاهان به مسائل شاخ آفریقا در بررسی‌های خود، درباره پیامدهای حضور دوساله ارتش اتیوپی در خاک سومالی به این نتایج دست یافته‌اند:

۱. حضور ارتش اتیوپی در سومالی ثبات و امنیت و صلح به‌ارمغان نیاورد، بلکه آتش تنش‌ها و جنگ‌های داخلی را برافروخته‌تر کرد.
۲. حضور اتیوپی در خاک سومالی تنفر و حساسیت‌های مردم این کشور را به آن‌ها بیشتر کرد.

۳. عملیات نظامی ارتش اتیوپی و حمایت‌های آمریکا و کنیا نتوانست بنیادگرایی اسلامی و هسته‌های سلفی جهادی را ریشه‌کن کند، بلکه این جریان با استفاده از نفرت عمومی ملت سومالی علیه اشغالگری ارتش اتیوپی، توانست پایه‌های اجتماعی و بیشتر تشکیلات خود را استوار کرد (عبدالقادر عثمان، ۲۰۰۸).

### آینده سیاست منطقه‌ای اتیوپی

فروپاشی سومین دولت انتقالی سومالی با استعفای عبدالله یوسف در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۸ و انتخاب شیخ شریف شیخ احمد به‌عنوان رئیس چهارمین دولت انتقالی در اوایل سال ۲۰۰۹ در جیبوتی، شرایط سیاسی و ذهنی مساعدی را برای عقب‌نشینی ارتش اتیوپی از خاک سومالی، البته با حفظ پرستیژ و وجهه منطقه‌ای، فراهم کرد (انوشه، ۱۳۸۸: ب: ۸). اگرچه این عقب‌نشینی در برخی ابعاد بر ارتش و رژیم اتیوپی شرایط جدیدی را تحمیل کرده، حضور دوساله نظامی آدیس‌ابابا در سومالی عناصر جدیدی به نقش منطقه‌ای این

- کشور افزوده است. با بررسی گزارش‌ها و دیدگاه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران، افق‌های آینده سیاست منطقه‌ای اتیوپی را می‌توان چنین ترسیم کرد:
۱. اتیوپی روابط و پیوندهای سیاسی و امنیتی خود را با شخصیت‌ها و جریان‌های هوادار و یا متمایل به سیاست‌های منطقه‌ای خود حفظ می‌کند و از آنان برای ایفای نقش برجسته حمایت می‌نماید.
  ۲. تلاش دیپلماتیک آدیس‌ابابا به‌منظور روی کارآمدن رژیم هوادار خود در موگادیشو ادامه خواهد یافت.
  ۳. خنثی‌سازی نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای، به‌ویژه اعراب و اریتره، در عرصه تحولات و آینده سومالی به‌عنوان سیاستی ثابت از سوی اتیوپی ادامه خواهد یافت.
  ۴. سیاست مقابله با بنیادگرایی اسلامی و خنثی‌سازی قدرت نیروها و جریان‌های مخالف سیاست منطقه‌ای اتیوپی به‌عنوان اولویت سیاسی و امنیتی اتیوپی باقی می‌ماند.
  ۵. اتیوپی برای ایجاد پوشش حمایتی بین‌المللی به تقویت روابطش با آمریکا، اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی نیاز دارد.
  ۶. انزوای اریتره و دولت ضعیف در سومالی، برای حفظ هژمونی منطقه‌ای اتیوپی اهمیت حیاتی دارد.

### نتیجه‌گیری

نقش اتیوپی در تحولات سومالی بخشی از سیاست منطقه‌ای اتیوپی بوده است و برای عملی‌شدن سیاست‌های راهبردی آدیس‌ابابا در منطقه شاخ آفریقا جنبه حیاتی دارد. تداوم فروپاشی سومالی به‌عنوان دولت-ملت و یک واحد سیاسی، استثنایی سیاسی-امنیتی در روابط بین‌الملل است؛ اما با این حال فرصتی طلایی برای ارتقای سطح قدرت و نفوذ اتیوپی در منطقه شاخ آفریقا است. آدیس‌ابابا به‌طور سنتی و تاریخی در جایگاه تمدنی منطقه‌ای، سعی دارد از مؤلفه‌های قدرت و شرایط منطقه و جهان به‌منظور پاسداری از جایگاه منطقه‌ای خود و گسترش آن به‌خوبی استفاده کند. جایگاه منطقه‌ای و نقش بازیگری این کشور بر مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی داخلی اتیوپی تأثیرگذار است و عکس آن نیز صحیح است. اتیوپی با تسلط بر منابع آبی رود نیل می‌تواند سیاست‌های کشورهای عربی همچون مصر و سودان را در شاخ آفریقا خنثی کند. تداوم سیاست‌های راهبردی این کشور در منطقه می‌تواند در خدمت توسعه فضای حیاتی و راهبردی اتیوپی و دسترسی آن به منافذ دریایی (نقطه ضعف و پاشنه آشیل راهبردی اتیوپی)،

باشد. مداخله نظامی اتیوپی در سومالی تجربه‌ای تکرارشده است و همواره در نظر استراتژیست‌ها و تصمیم‌گیران آدیس‌آبابا، سیاست مداخله‌گرایانه تأمین‌کننده هژمونی منطقه‌ای و بسیاری از نیازهای سیاسی و امنیتی بوده است. تداوم سیاست قومی و عشیره‌ای زیناوی و تکیه بر تیگره‌ها برای امنیت ملی و نقش منطقه‌ای اتیوپی، تهدیدی راهبردی برای این کشور به‌شمار می‌آید.

### پی‌نوشت‌ها

۱. جیبوتی، اریتره، سودان، کنیا و سومالی همسایگان اتیوپی هستند.
۲. نقش این محور در بروز بحران‌های دریاچه‌های بزرگ، جنگ الماس در سیرالئون و لیبریا و جنگ داخلی آنگولا مشهور است.
۳. کنگره برلین نقش تاریخی در تقسیم قاره آفریقا میان استعمارگران اروپایی داشت.
۴. اتیوپی، اریتره و کنیا (همسایگان سومالی) نقش مؤثری بر روند تحولات بحران سومالی داشتند.
۵. در ژانویه ۱۹۶۴ اولین مرحله جنگ میان اتیوپی و سومالی بر سر اوگادن شروع شد و در ژوئن ۱۹۷۷ و ژانویه ۱۹۷۸ مرحله دوم جنگ اوگادن شکل گرفت و در آوریل ۱۹۷۸ میان دو کشور صلحی ناپایدار برقرار شد.
۶. USC به رهبری ژنرال محمد فارح عیدیه و علی مهدی محمد بود و اغلب نیروهای آن از قبیله هویه بودند.
۷. SPM به رهبری سرهنگ احمد عمر جین.
۸. زیناوی، نخست‌وزیر اتیوپی و رهبر واقعی کشور، و افوروقی، رئیس‌جمهور اریتره، هر دو از قوم تیگره‌ای بودند.
۹. مهم‌ترین اقوام اتیوپی براساس جمعیت: اورمو ۳۱ درصد، امهره‌ای‌ها ۳۰ درصد، تیگره‌ای ۴/۷ درصد. مردم اتیوپی به ۲۸۶ زبان سخن می‌گویند.
۱۰. علی مهدی محمد و محمد فارح عیدیه در جبهه‌ای واحد علیه دیکتاتوری زیاد باره متحد بودند؛ اما رقابت میان عشایر قبیله هویه و منافع شخصی باعث جدایی این دو شد.
۱۱. ژنرال عبدالله یوسف یکی از قهرمانان جنگ اوگادن بود؛ اما پس از اختلاف با باره به مخالفان پیوست و مورد حمایت اتیوپی قرار گرفت. وی در سال ۲۰۰۴م در اجلاس نایروبی به مقام سومین رئیس دولت موقت سومالی برگزیده شد و تحت فشار و شرایط بحرانی در اوایل ۲۰۰۹ از صحنه سیاست کنار رفت.
۱۲. قبیله رحناوین شامل دو عشیره اصلی به نام‌های دگیل و مرفیلی است.
۱۳. تجمع کشورهای صنعا شامل یمن، اتیوپی، سومالی و جیبوتی است.
۱۴. ایگاد سازمانی منطقه‌ای است که در دهه نود با رویکرد توسعه‌ای از کشورهای منطقه شاخ آفریقا و شرق آفریقا تشکیل شد؛ اما با دخالت آمریکا و حمایت‌های مالی آن و به سبب شرایط بحرانی منطقه به سازمانی سیاسی و امنیتی تبدیل شد. اوگاندا، کنیا و اتیوپی (کشورهای مسیحی این سازمان) بازیگران قدرتمند و اصلی ایگاد هستند.

۱۵. این تنش در شش می ۱۹۹۸ آغاز شد و امضای صلحنامه الجزیره در ۲۰۰۱ میان طرفین تا حدودی تنش را برطرف کرد.
۱۶. وزیر امنیت، وزیر تجارت، وزیر اوقاف و وزیر بازسازی میلیشیای‌ها از رهبران این سازمان بودند.

### منابع

- انوشه، صبری (۱۳۸۷ الف). «آفریقا و دزدان دریایی». *روزنامه وطن امروز* (ویژه‌نامه نوروز). صص ۴۲-۴۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ب). «رئیس جمهور سیاه و قاره سیاه». *وطن امروز*.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ج). «نشست بررسی پدیده دزدان دریایی در خلیج عدن». *فصلنامه جهان اسلام*. س ۹. ش ۳۶. صص ۲۰۵-۲۲۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ د). «امنیت شاخ آفریقا و دخالت قدرت‌ها». *فصلنامه جهان اسلام*. س ۹. ش ۳۶. صص ۲۷-۵۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ الف). «سومالی، زخم مزمن آفریقا». *روزنامه وطن امروز*.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ ب). «نگاهی به جنگ و کشتار سومالی، آنارشیسم ویرانگر کاخ سفید». *روزنامه جوان*.
- \_\_\_\_\_ (نیمه تیر ۱۳۸۵ الف). «بازخوانی وضعیت سومالی، محاکمه اسلامی». *همشهری دیپلماتیک*. ش ۴. صص ۴۹-۵۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ ب). «رژیم صهیونیستی و شرق آفریقا». *مطالعات آفریقا*. س ۱۱. ش ۱۳. صص ۱۱۹-۱۱۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «قاره آفریقا در سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی». *مطالعات آفریقا*. س ۱۰. ش ۱۰. صص ۱۱-۳۹.
- الحروی، طارق عبدالله (۲۰۰۹). *مستقبل السياسيه الاثيوبية في منطقه القرن الافريقا*. مؤسسه صوت القلم العربی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱). *ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حلنی، علی (۲۰۰۲/۱۲/۴). «۱۱ عاماً على الازمه الصومالية». *اسلام اون لاین*.
- حلیمه، صلاح (۲۰۰۶/۶/۲۲). «الصومال فى انتظار دور عربى جدید». [www.siyassa.org.eg](http://www.siyassa.org.eg)
- شافعی، بدرحسن (۲۰۰۴/۱۲/۴). «من يوقف التمرد الاثيوبى فى القرن الافريقى». *اسلام اون لاین*.

- عثمان عبدالقادر (٢٠٠٧/٢/٢٨). «دول الجوار الصومالي و تدمير القرن الإفريقي اسلام». *اسلام اون لاين*.
- عثمان عبدالقادر. شيخ شريف (٧ فوريه ٢٠٠٩). «يصل مقديشو». *اسلام اون لاين*.
- محمود، احمد ابراهيم. *الحروب الاهليه في آفريقيا*. القاهرة: مطبوعات مركز الدراسات السياسيّه و الاستراتيجيه الاهرام.
- مورو، محمد (٢٠٠٦/١٢/٢٨). «الصراع الدولي و الاقليمي في الصومال». *الجزيره نت*.
- ولد احمد سالم، سيدى احمد (٢٠٠٦/٧/١٧). «الصومال... اقاليم مقسمه و اخرى ضاعه». *الجزيره نت*.
- \_\_\_\_\_ (٢٠٠٦/١٢/٢٨). «محطات الازمه الصوماليه». *الجزيره نت*.
- ياديو، عبدالرحمن (٢٠٠٨/١٢/١٦). «يكشف حقيقه الصراعات في الصومال». *اخوان اون لاين*.
- يوسف احمد (٢٠٠٧/١١/٢٧). «حركة شباب المجاهدين... مارد المقاومه الصوماليه». *اخوان اون لاين*.

